



دوشنبه 22 دی 1393 - 07:33

بدبینی رهبر ایران به آمریکا بی علت نیست

در حالی که به زودی دور جدید مذاکرات هسته ای آغاز می شود، کارشناسان دورنمای امیدوارکننده‌ای در این خصوص ندارند و روزنامه نیویورک تایمز در تحلیلی نوشت؛ بی اعتمادی رهبر ایران به آمریکا بی دلیل نیست.

در حالی که به زودی دور جدید مذاکرات هسته ای آغاز می شود، کارشناسان دورنمای امیدوارکننده‌ای در این خصوص ندارند و روزنامه نیویورک تایمز در تحلیلی نوشت؛ بی اعتمادی رهبر ایران به آمریکا بی دلیل نیست.

چهارشنبه هفته جاری تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی راهی ژنو می شود تا مذاکرات دو جانبه ای را با طرف آمریکایی آغاز کند. مذاکراتی که سه روز به طول می انجامد و سپس مذاکرات در سطح معاونین میان ایران و 1+5 انجام خواهد شد. ارزیابی های دو طرف درباره مذاکرات پیش رو چندان خوشبینانه و امیدوار کننده نیست. روز گذشته روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در گزارشی به موضوع مذاکرات هسته ای پرداخت و نوشت: آیت الله علی خامنه ای رهبر معظم ایران که در مورد هر توافقنامه ای حرف آخر را خواهد زد، روز چهارشنبه تردیدهای جدیدی را درباره قابل اعتماد بودن «دشمن» - آمریکا - برای لغو واقعی تحریم ها مطرح کرد. بدبینی وی بی دلیل نیست.

اگر چه تحلیل نیویورک تایمز درباره بی اعتمادی مقام معظم رهبری به آمریکا صحیح است اما محدود کردن این بی‌اعتمادی به مسئله لغو تحریم ها و البته دلیل آن قابل نقد و بررسی است. این روزنامه آمریکایی در این مورد با بازی قدیمی پلیس خوب و بد درباره اوپاما و کنگره جدید آمریکا می نویسد: « اوپاما این اختیار را دارد که تحریم های اعمال شده بر ضد ایران را بطور موقت لغو کند و در اعمال محدود این اختیارات اجازه داده است که ایران ماهانه حدود هفتصد میلیون دلار از دارایی های مسدود شده‌اش در بانکهای خارج را طبق شرایط موافقتنامه هسته ای موقت که از نوامبر 2013 اجرایی شده است دریافت کند. حتی در این صورت، اختیار لغو دائم اکثر تحریم ها با کنگره است که بسیاری اعضای آن عمیقا به تهران بی اعتمادند و رهبران جمهوری خواه گفته اند تحریم های جدید و قوی تر تقریبا در صدر دستورکار آنها در کنگره جدید است. چنین اقدامی ممکن است در صورت شکست مذاکرات یا سرباززدن ایران از تعهداتش توجیه لازم را پیدا کند. اما در این مرحله چنین طرحی می‌تواند به تضعیف مذاکرات و اختلاف در میان قدرتهای بزرگ بیانجامد و ایران را به تسریع توسعه برنامه هسته ای اش ترغیب نماید.»

وعده سر خرمن!

نیویورک تایمز در حالی سعی دارد توپ تحریم ها را در زمین کنگره بیندازد که واقعیت چیز دیگری است. در واقع این یک بازی حساب شده میان کاخ سفید و کنگره برای اخذ امتیازات بیشتر از جمهوری اسلامی پای میز مذاکره است. نیویورک تایمز در حالی سعی دارد موضع اوپاما و کنگره را درباره تحریم ها متفاوت نشان دهد که رئیس جمهور آمریکا دوم آذر ماه سال جاری (یک روز پیش از ضرب الاجل توافق نهایی) در مصاحبه ای با ای بی سی نیوز گفته بود؛ موضع آمریکا درباره تحریم های ایران تغییر نمی کند و غیرقابل مذاکره است و تحریم ها بلافاصله پس از توافق لغو نخواهند شد. برخی منابع دیپلماتیک اعلام کرده‌اند پیشنهاد ابلهانه آمریکایی ها لغو تحریم ها در یک دوره 15 ساله است!

بازی کاخ سفید و کنگره

تحلیل نشریه نشنال اینترست درباره بازی کاخ سفید و کنگره قابل تامل است. پل پیلار روز شنبه در تحلیلی نوشت: «ترفند مخالفان تندرو در آمریکا تلاش برای تصویب نسخه جدید قانون تحریم‌هاست که با آنچه سناتورهای مارک کرک و رابرت مندز در کنگره قبلی ارائه کردند مشابهت دارد. نسخه جدید قانون تحریم ها هنوز در دست تدوین قرار دارد اما نسخه قبلی مواردی را شامل می شد که احتمالا توافق اولیه را نقض می کرد و چنانچه تصویب می شد واکنش قابل پیش بینی ایران که تندروهای ایرانی نیز احتمالا خواهان آن هستند این بود که پایبندی خود را به این توافقنامه بی فایده اعلام و گفتگوها را ترک کند.»

نشانی اینترست در ادامه این رویکرد را برخلاف ظاهر آن که نوعی مانع تراشی در مذاکرات به نظر می‌رسد، حمایت از تیم مذاکره‌کننده در چانه زنی دانسته و در پایان تاکید می‌کند: آمریکایی‌ها بر این باورند چانه زنی با یک کشور دیگر به شیوه نابرابر و متفاوت که دیگر کشورها به آن به گونه‌ای متفاوت از خود آمریکایی‌ها واکنش نشان می‌دهند (در برابر تهدید و فشار کوتاه می‌آیند) کارآمد خواهد بود.

البته روزنامه نیویورک تایمز نیز در ادامه گزارش خود تلویحا به هدف کنگره از ورود به موضوع مذاکرات با هدف دستیابی به توافق مطلوب آمریکا اشاره کرده و می‌نویسد: «سناتور باب کورکر رئیس جمهوری خواه جدید کمیسیون روابط خارجی سنا می‌گوید که معلوم نیست در قبال هر قانونی برای اعمال تحریم‌های جدید چه موضعی اتخاذ خواهد کرد. اما وی سعی دارد تضمین نماید که کنگره در مورد هرگونه توافقنامه هسته‌ای نهایی حق رای داشته باشد. عملکرد وی در برخورد با این مسئله محک مهمی برای نقش رهبری او خواهد بود. تعهد وی به پیدا کردن راهی برای اعمال نظر کنگره در این مسئله با هدف تقویت احتمال دستیابی به یک نتیجه خوب، امری غیرمنطقی نیست.»

توافق خوب با طعم تهدید

این روزنامه در پایان از قول کورکر یک توافق خوب برای آمریکا را اینگونه تعریف می‌کند: «توافقی که قابل راستی‌آزمایی باشد و بطور چشمگیری فعالیت‌های هسته‌ای ایران را محدود سازد، در صورتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که هم امنیت منطقه‌ای را ارتقا بخشد و هم به نفع ایران باشد. هنوز خطراتی برای همه طرفها وجود دارد. اما خطر بزرگتر این است که این فرصت از دست برود و ایران آزادانه برنامه هسته‌ای بی‌قید و بندش را دنبال نماید. چنین رویدادی منجر به تحریم‌های بیشتر، تنش‌های جدید و شاید حتی اقدام نظامی و یک حمله سایبری خواهد شد.»

۴ اشتباه غرب

تحلیلگر و اندیشمند آمریکایی در یادداشتی به چهار روش و رویکرد اشتباه غرب درباره برنامه هسته‌ای ایران اشاره کرد. گرت پورتر در یادداشتی برای پایگاه «میدل ایست آی» نوشت: «برای بیش از سه دهه آمریکا و متحدان غربی آن، یکی پس از دیگری اشتباهات بنیادی در فرایند ایجاد این روایت که ایران محرمانه به دنبال برنامه اتمی نظامی است، مرتکب شدند. این تحلیلگر آمریکایی می‌نویسد: «اشتباهات ابتدایی و اصولی زیادی درباره برنامه هسته‌ای ایران اتفاق افتاده که پرداختن به آنها در یک مقاله ممکن نیست اما چهار شکست بزرگ سیاستگذاری و اطلاعاتی اتفاق افتاده که به آن اشاره می‌کنم.»

اول، نپذیرفتن حقوق هسته‌ای ایران که به دنبال آن نپذیرفتن حقیقت هم آمده است.

اولین شکست، مشغولیت آمریکا در تلاش برای در نطفه خفه کردن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. این موضوع از سال 1983 و تصمیم دولت ریگان برای اعمال فشار دیپلماتیک برای توقف همه همکاری هسته‌ای با ایران بود. فرانسه به شدت تحت فشار برای ممنوع کردن تامین سوخت اتمی بوشهر قرار گرفت؛ سوختی که ایران روی آن حساب کرده بود.

به گفته پورتر تلاش آمریکا برای خفه کردن هرگونه کمک هسته‌ای به ایران، «نقض آشکار و خطرناک معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) بوده است معاهده‌ای که به ایران حق دارا بودن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای را می‌دهد.

این محقق می‌نویسد: «جای تعجب نداشت که ایران خود به سمت فناوری غنی‌سازی اورانیوم برود و همچنین بعدها با روسیه و چین مذاکراتی کند. تجاوز و هجوم آمریکا به برنامه هسته‌ای ایران نتیجه معکوس داشت اما واشنگتن به جای به رسمیت شناختن اشتباه عمیقش، با پاسخ ایران به عنوان نشانه و مدرکی برای تلاش تهران جهت ساخت سلاح اتمی تلقی و با آن برخورد کرد.

دوم، اطلاعات غلط و نادرست بودند.

در اوایل دهه 1990 سیا و دیگر سازمانهای اطلاعاتی غربی دور شدنشان از واقعیت درباره برنامه هسته‌ای ایران را آغاز کردند. آنها با غرق شدن در موضوع تلکسهای دانشگاه شریف که در آن از فناوریهای دوگانه (مصارف نظامی و غیرنظامی) تاکید شده بود و نیز این مساله که در میان شماره‌های زیاد موجود در این تلکسها شماره مرکز تحقیقات فیزیک وجود داشت، به نظر خود آن را مدرکی برای تلاش ایران برای برنامه مخفیانه سلاح اتمی دانستند.

پورتر با رد این ادعاها می‌نویسد: «در نهایت معلوم شد که این تلکسها چیز خاصی نبود. ایران در سال 2007 و اوایل 2008 سند مبسوطی ارائه داد که در آن درباره محل استفاده هر یک از آیت‌های فناوریهای دوگانه که به دانشکده‌های مختلف و مراکز تحقیقاتی دانشگاه شریف تعلق داشت، اشاره شد. شماره تلکس مرکز تحقیقات فیزیک هم به این دلیل در لیست تلکسها بود که رئیس سابق سازمان استاد آن دانشگاه بوده و از وی خواسته شد برای تامین آیت‌ها کمک کند.»

این اندیشمند آمریکایی ادامه می‌دهد: «تحلیلگران اطلاعاتی به غلط موضوع آیت‌های دوگانه را به عنوان مدرکی برای تایید تردیدهای از قبل موجودشان درباره اهداف و مقاصد ایران تفسیر کردند.

سوم، نادیده گرفتن فتوا علیه سلاحهای شیمیایی

او می‌نویسد: «باور دولتهای غربی درباره تلاش ایران برای سلاحهای اتمی یک واقعیت تاریخی که آنها باید به آن توجه می‌کردند را نادیده گرفته است. در جریان جنگ 8 ساله ایران-عراق، نیروهای صدام به دفعات با سلاحهای شیمیایی به ایران حمله کردند و 20 هزار نفر را کشته و 100 هزار نفر را به شدت مجروح کردند. اما ایران هرگز با سلاح شیمیایی تلافی نکرد.»

پورتر تصریح می‌کند: «این حقیقت (عدم استفاده از سلاح شیمیایی توسط ایران) چالشی جدی و اساسی به روایت غربیها درباره برنامه هسته‌ای ایران وارد می‌کند چرا که هیچ توضیح معتبر و قابل اتکایی درباره چرایی عدم استفاده ایران از سلاح شیمیایی به غیر از حقیقت فتوای آیت الله خمینی رهبر عالی درخصوص ممنوعیت داشتن و استفاده همه سلاحهای کشتار جمعی وجود ندارد».

این نویسنده تأکید می‌کند: «این موضوع اعتبار زیادی به اتکای ایران به فتوای رهبر عالی این کشور در خصوص ممنوعیت داشتن و استفاده از سلاح هسته ای می‌دهد اما رسانه‌های خبری غربی به روایت قبلی خود چسبیدند که در آن به اطلاعات غلط تکیه و ادعا شده ایران نه تنها سلاح شیمیایی داشته بلکه از آن استفاده کرد».

چهارم، نپذیرفتن این موضوع که مدارک ادعایی درباره نظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران، مخدوش و غیرمستند است تحلیلگر آمریکایی در توضیح رویکرد و روش غلط چهار می‌گوید: «برای حدود یک دهه، سیاست بین‌المللی در قبال برنامه هسته‌ای ایران حول محور اسناد اطلاعاتی و گزارشهای خبری درباره برنامه اتمی ایران چرخیده است».

پورتر تأکید دارد: «دولتهای غربی با تشویق و برانگیختگی پوشش رسانه‌ای موجود این کشورها، این موضوع را انتخاب کردند که مدارک قابل ملاحظه و مهم موجود درباره ریشه های بسیار تردیدآمیز بودن سندهای ادعایی نظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران را نادیده بگیرند».

وی با اشاره به گزارش یک روزنامه آلمانی به نقل از یک جاسوس سابق آلمانی که در آن آمده بود منبع اولیه ادعای نظامی بودن برنامه هسته ای ایران، یک عضو گروهک تروریستی منافقین خلق بود، اشاره کرده و می‌گوید: «مجاهدین خلق بعدها به عنوان ابزار موساد برای اسناد ادعایی درباره برنامه هسته‌ای ایران خدمت کرده‌اند».

به گزارش فارس، در پایان این یادداشت آمده است: «دولت آمریکا و متحدان اروپایی‌اش چشمانشان را به روی شواهد و مدارکی که نشان می‌دهد چنین اسناد ادعایی (درباره نظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران) طراحی شده‌اند تا اقدامات آمریکا علیه جمهوری اسلامی را توجیه کنند. توسل به روایت موجود و پذیرفته شده موجود در قبال برنامه هسته‌ای ایران توسط غرب، همچنان هرگونه اقدام فعال برای تلاش جهت یافتن حقیقت را سرکوب می‌کند».